

معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی

دکتر حسین ضیائی

سیما نوربخش



تهران، ۱۳۸۴

ضیائی، حسین، ۱۳۲۳ -
معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی / حسین ضیائی؛ [ترجمه] سیما نوربخش. - تهران: نشر و
پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۴.
چهارده، ۲۱۵ ص.

ISBN: 964-321-248-3

The knowledge and illumination: a study of Suhrawardi's Hekmat: عنوان اصلی:
al-ishraq c 1990.

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۰۰ - ۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹ - ۵۸۷ ق. حکمة الاشراق - نقد و تفسیر. ۲. فلسفه اسلامی.
۳. اشراق (فلسفه). الف. سهروردی، یحیی بن حبش، ۵۴۹ - ۵۸۷ ق. حکمة الاشراق. شرح. ب.
نوربخش، سیما، مترجم. ج. عنوان. د. عنوان: حکمة الاشراق. شرح.

۱۸۹/۱

م ۹ ض ۱ / BBRV۴۶/
۱۳۸۴

م ۸۴ - ۱۰۰۴۲

کتابخانه ملی ایران

This is an authorized Persian translation of
the Knowledge and Illumination, originally
published by UCLA, Scholars press, Atlanta, Georgia, 1990



معرفت و اشراق در اندیشه سهروردی

نویسنده: دکتر حسین ضیائی

ترجمه: سیما نوربخش

ویراستار: حسن سیدعرب

چاپ اول: ۱۳۸۴؛ تیراژ ۲۰۰۰ نسخه

ناظر چاپ: مجتبی جلودارمقدم

طراح جلد: علی بخشی

حروفچینی: نوآور؛ لیتوگرافی: کیمیا

چاپ: الوان؛ صحافی: مهرآیین

حق چاپ و نشر محفوظ است.

بلوار افریقا، خیابان تور، پلاک ۳۳، طبقه دوم، تهران ۱۹۱۵۶-۵۳۹۷۱

تلفن: ۴-۲۷۵۷۰-۲۰۳۸۰۷۳؛ فاکس (دورنگار): ۲۰۳۸۰۷۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.com

شابک: ۳-۲۴۸-۳۲۱-۹۶۴ ISBN: 964-321-248-3

فهرست مطالب

پیشگفتار مؤلف	دوازده
یادداشت مترجم	۱
سپاس	۶
مقدمه	۷

بخش اول: حکمت اشراق

۱. تعریف حکمت اشراق	۱۳
۲. تبیین حکمت اشراق در آثار سهروردی	۱۶
۱.۲ چهار نوشته اصلی و مهم	۱۶
۲.۲ جایگاه اللمحات و سایر آثار	۱۸
۳.۲ ویژگی چهار اثر سهروردی	۲۰
۴.۲ تألیف آثار اصلی با توجه به زندگانی سهروردی	۲۱
۵.۲ ابوالبرکات بغدادی و حکمت اشراق	۲۵
۳. بررسی آثار اصلی	۲۶
۱.۳ التلویحات اللوحية والعرشية	۲۶
۲.۳ المقاومات	۲۹
۳.۳ المشارع والمطارحات	۳۰
۴.۳ حکمة الاشراق	۳۵
۱.۴.۳ دلایل سهروردی برای تألیف حکمة الاشراق	۳۷

۳۹	۲.۴.۳ روش‌شناسی حکمة الاشراق.....
۴۲	۳.۴.۳ دیدگاه سهروردی درباره تاریخ فلسفه.....
۴۳	۴. نتیجه.....

بخش دوم: مقام منطق در حکمت اشراق

۴۵	۱. پیشگفتار.....
۴۶	۲. نظر سهروردی درباره منطق.....
۴۶	۱.۲ منطق در التلویحات اللوحية والعرشية.....
۴۹	۲.۲ منطق در المشارع والمطارحات.....
۵۲	۳.۲ جایگاه منطق در حکمة الاشراق.....
۵۴	۳. خلاصه ساختار منطق سهروردی.....
۵۵	۱.۳ ساختار منطق در التلویحات اللوحية والعرشية.....
۵۹	۲.۳ ساختار منطق در المشارع والمطارحات.....
۶۰	۳.۳ ساختار و گستره منطق حکمة الاشراق.....
۷۴	۴. ارزیابی.....

بخش سوم: نظریه اشراقی «تعریف» روش صوری و علم

۷۷	۱. واژه‌تعریف.....
۷۸	۱.۱ تقسیم اشراقی منطق و تعریف.....
۸۱	۲.۱ گونه‌شناسی تعریف.....
۸۲	۲. تعریف و روش‌شناسی فلسفه.....
۸۵	۱.۲ روش‌شناسی تعریف و جایگاه آن در الهیات.....
۸۶	۲.۲ دوره‌یافت افلاطونی و ارسطویی به «تعریف».....
۸۸	۳.۲ بررسی روش افلاطونی «تعریف».....
۹۲	۴.۲ بررسی روش ارسطویی «تعریف».....
۹۷	۳. نظریه تعریف سهروردی: بخش نخستین آن مجموعه.....
۹۹	۱.۳ التلویحات اللوحية والعرشية.....

- ۲.۳ المشارع و المطارحات ۱۰۴
۴. نظریه اشراقی «تعریف» ۱۱۳
- ۱.۴ تدوین نظریه اشراقی «تعریف» ۱۲۰

بخش چهارم: معرفت و اشراق و جهان‌شناسی

۱. آیا معرفت، ممکن است؟ ارزیابی سهروردی از دیدگاه مشائیان ۱۲۷
- ۱.۱ بنیاد هستی‌شناسانه فاقد یقین در معرفت‌شناسی حکمت مشاء ۱۲۸
۲. تصور و تصدیق: نخستین تقسیم معرفت‌شناسانه ۱۳۳
- ۱.۲ مخالفت سهروردی با مشائیان ۱۳۳
- ۲.۲ تقسیم اشراقی علم ۱۳۶
۳. طریق اشراقی علم ۱۴۰
- ۱.۳ انتقاد سهروردی از حکمت مشاء در مسئله علم به عنوان اتحاد با عقل فعال

۱۴۰

- ۲.۳ مشاهده خلسه‌گونه سهروردی از ارسطو ۱۴۲
- ۳.۳ دیدگاه اشراقی خودشناسی ۱۴۴
- ۴.۳ خودآگاهی و اشراق ۱۴۶
- ۵.۳ معرفت‌شناسی اشراقی و فرایند شهود و مشاهده - اشراق ۱۵۰
۴. اشراق و فیض ۱۵۶
۵. وجود و نور ۱۶۰
- ۱.۵ وجود و عوامل تعیین‌کننده نخستین آن ۱۶۰
- ۲.۵ وجود و جهان‌شناسی ۱۶۲

ضمیمه‌ها:

- الف: مقدمه سهروردی بر حکمة الاشراق ۱۶۵
- ب: ترجمه حکمة الاشراق قسم اول: مقاله اول، ضابط هفتم ۱۶۹
- ج: تحلیل المعتبر فی الحکمة ابوالبرکات بغدادی ۱۷۳
- کتاب‌شناسی ۱۷۵

فهرست‌ها:

۱۸۳	 ۱. اعلام
۱۸۷	 ۲. اصطلاحات
۲۰۱	 ۳. کتب
۲۰۹	 ۴. فهرست موضوعی

www.ketab.ir

پیشگفتار مؤلف

کتاب حاضر توسط خانم سیما نوربخش با مهارت کامل از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. ایشان زبان فنی و عبارات فلسفی مباحث کتاب را با دقت تمام به فارسی فنی گویایی برگردانده و از این رو موجب تسهیل درک کلیه مطالب کتاب شده‌اند. بدینوسیله از زحمات وافر ایشان در این امر تشکر می‌نمایم.

این کتاب حاصل تحقیقات چندین ساله درباره ساختار و مبانی منطقی فلسفه اشراق است که بار اول پانزده سال پیش در سلسله انتشارات دانشگاه براون به چاپ رسید. یکی از هدفهای اصلی من شناساندن نظام فلسفی شهاب‌الدین سهروردی فیلسوف و عالم شهیر ایرانی به اهل فلسفه در غرب بود. البته کتابهای پر ارزشی در ایران در زمینه سهروردی‌شناسی به چاپ رسیده‌اند و همواره کتب دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی چه درباره اندیشه اشراقی سهروردی و چه درباره مباحث عمیق دیگری در فلسفه رهنمون اینجانب بوده‌اند و نیز از مصاحبت و مباحثاتی با ایشان و با دیگر دانشمندان گرانمایه‌ای چون منوچهر صدوقی بهره‌ها برده‌ام و باز البته که دانشمندان بسیاری مانند دکتر مهدی محقق و دکتر نصرالله پورجوادی و دکتر سیدجعفر سجادی و دکتر محسن کدیور و دکتر سیدحسین سیدموسوی و دکتر تقی پورنامداریان و آقای محمدکریمی زنجانی و آقای حسن سیدعرب و دیگران که در این مختصر مجال ذکر یک ایشان نیست درباره جوانب مختلف اندیشه سهروردی تألیفات ارزشمندی را به فارسی به چاپ رسانده‌اند و مرا در این میدان پر بار ادعایی نیست. هدف این است که فلسفه اسلامی را

به گونه‌ای درست و با زبانی فنی به اهل فلسفه در غرب معرفی کنیم تا از این طریق بتوان گفتگویی واقعاً فلسفی را با آنها داشته باشیم.

به علل مختلفی فلسفه اسلامی و ساختارهای فنی و تحلیلی آن کمتر در غرب شناخته شده است. یکی از علتها این است که اکثر مستشرقین و نیز برخی از مورخین فلسفه در تألیفات خود در باب فلسفه اسلامی از زبانی غیر فنی و غیر فلسفی استفاده کرده و نیز چون خود ساختارهای فلسفی را به درستی نمی‌شناسند و اکثراً فلسفه نمی‌دانند و با تحلیل فلسفی سر و کار ندارند از عهده بیان چستی فلسفه ما بر نیامده‌اند. اکثر کتابهای آنها در حد توصیفاتی کلی است و یا تعریف و تمجیدی غالباً سطحی و دور از تحلیل‌های واقعاً فلسفی است. و لذا اصول گزاره‌های بنیادی روشهای تحلیلی شیوه و مراتب استنتاج و دیگر عناصر متشکله ساختارهای فلسفی چه مشائی چه اشراقی و چه مربوط به حکمت متعالیه کمتر به گونه‌ای درست شناخته شده‌اند و لذا بسیاری از علمای اهل فلسفه در غرب، به غلط می‌پندارند که تمام فلسفه اسلامی خصوصاً ساختارها و مکتبهای متعلق به دوران بعد از ابن سینا در نوعی از عرفانیات عملی خلاصه می‌شوند. اما دلیل اصلی هدف ما در نگارش کتابهایی به زبان انگلیسی این است که با تحلیلی درست و با استفاده از زبان فنی فلسفی، فلسفه خودمان را به فلاسفه غربی اهل تحلیل و برهان بیاموزیم. توصیفات صرف و تعریف و تمجید و لو در ظاهر خوشایند به نظر می‌رسند، اما به درکی واقعی از فلسفه نمی‌انجامد. نتیجه نادرست توصیفات سطحی از متون فلسفی عربی - فارسی تا آن حد است که علمای اهل فلسفه در غرب که هدفشان واقعاً علمی است، گمان کرده‌اند که فلسفه ما از بحث و برهان و نظام‌پردازی فلسفی به دور است و بیشتر با انواع ریاضات و رفتار و آداب تئوسوفیک سر و کار دارد که صد البته چنین نیست. برای مثال کافی است به ساختارهای معرفتی و شناخت اشاوه کنیم. در این زمینه ساختار و نظریه علم حضوری، مباحثی در رابطه با عینیت داننده و دانسته شده در راستای هر نوع دانستن - عقل، حس، الهام، مکاشفه و غیره - اضافه اشراقیه که نسبت به آن اشکالات وارده بر حمل و بر روابط تساوی و برابری و اتحاد - علی‌الخصوص در گزاره اتحاد عاقل و معقول - بر طرف می‌شوند، تماماً از جمله مباحث بنیادی فلسفه به

شمار می آیند. و می توان در این زمینه اصلی در مبانی علم المعرفت عینیت را به صورت یک تابع رابطی یک به یک و اضافی مانند و معادل اضافه اشراقیه ما بین یک یک آحاد اجتماع یا مجموعه داننده ها از یک طرف و یک یک اجتماع دانسته ها سامان داد و بدینگونه بیان نمود:

$$\{x_i\} R (x,y)_{ij} \{y_j\}$$

که در این ساختار x برابر است با مجموعه داننده ها و y برابر است با مجموعه دانسته ها و R تابعی است رابطی یک به یک و حافظ چستی که در انجام تطابق یا عینیت یا اتحاد یا برابری ما بین دو طرف طیف هستی عاقل و معقول را می رساند و این ساختار جایگزین x مساوی y و نیز x ، y است، هم می شود. و از این طریق اشکالات سهروردی بر مسأله اتحاد ما بین عقل مستفاد و عقل فعال بر طرف می شوند، ایراداتی که انفصال در وجود را رد نموده و اتصال یا هستی پیوستاری را استوار می دارد.

و کوشش ما این است که به درستی نشان دهیم که اشراق فرایندی است شناخت شناسانه، گویای نظری نوین در مبانی معرفت و شناخت. و حکمت اشراقی روشی است فلسفی که در آن حدس اولی و مشاهده موضوع مدرک از مدرک بلا امتداد اصالت دارد و این روش فلسفی ربطی به مکتبهای تئوسوفی که خود غریبها آن را غیر فلسفی می دانند، ندارد. حکمت اشراق در نهایت از تأله و بحث هر دو به کمال استفاده می کند تا دریافتهای مکاشفی و آنچه بر مبنای فرایند اشراق و مشاهده به دست می آید را در نظامی منطقاً سازگار بر مبنای روش برهان در ساختارهای اصل متعارفی به درجه یقین برساند. در کتابی که در دست تهیه داریم به یاری ایزد توانا نظریات شناخت اشراقی را عمیقاً تحلیل نموده و به تفصیل بیان خواهیم نمود تا بلکه بهتر از عهده این مهم که ذکرش رفت بر آییم.

در خاتمه واجب می دانم از مسئولان نشر فرزنان روز خصوصاً خانم گلی امامی که در چاپ کتاب حاضر واقعاً کوشیده اند تشکر نمایم.

کالیفرنیا

حسین ضیائی

یادداشت مترجم

اندیشه‌های شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ ق) مبتنی بر نظامی منسجم و استوار در اصول و قواعد اشراق است. او از نخستین متفکرانی است که کوشید تا برخی از مشکلات نظام منطقی اندیشه ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق م) و ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق) را به طریقی بدیع سامان دهد. علیرغم این اهمیت تاکنون توجه چندانی به آراء منطقی او نشده است. در میان قدما نیز نوشته‌های معدودی از او شرح شده و کمتر به آثار و آراء منطقی وی نظر کرده‌اند. در عهد معاصر نیز برخی از مستشرقان به استثنای ماکس هورتن و نکستون، تنها به آثار و زندگی سهروردی التفات کرده‌اند.

سهروردی پژوهی معاصر، مرهون تلاش محققان ایرانی است. استادان فلسفه اسلامی که در حقیقت مفسران اصلی اندیشه سهروردی هم بوده‌اند و جز تعداد بسیار اندکی اغلب ایرانی هستند، توجه بسیاری به عمق اندیشه و مقام معنوی سهروردی در طول و عرض تاریخ فلسفه اسلامی کرده‌اند.

آقای دکتر حسین ضیائی، رئیس گروه شرق‌شناسی مطالعات ایرانی و اسلامی دانشگاه U.C.L.A آمریکا از سهروردی پژوهان صاحب‌نظری است که نوشته‌های ارزنده‌ای در حوزه اندیشه سهروردی به صورت کتاب و مقاله تالیف کرده که برخی از آنها عبارتند از:

الف) کتاب فارسی و عربی:

۱. تصحیح انتقادی کتاب انواریه نوشته محمد شریف‌الدین احمد هروی (متوفی ۱۰۰۳

ق)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸ش و ۱۳۶۳ش ۲. تصحیح و تحقیق و مقدمه بر شرح حکمة الاشراق نوشته شمس‌الدین محمد شهرزوری (متوفی قرن ۷ ق)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۷۲ش ۳. تصحیح و ترجمه پرتوانه به انگلیسی، کالیفرنیا، مزدا، ۱۹۹۸م، همان، افست تهران، حکمت، بی تا ۴. تصحیح و ترجمه حکمة الاشراق به انگلیسی با همکاری جان والبریج، نیویورک، ۱۹۹۹م؛ همان، افست تهران، حکمت، بی تا ۵. ویرایش نه رساله تمثیلی و عرفانی سهروردی با ترجمه انگلیسی نکستون، کالیفرنیا، مزدا، ۱۹۹۹م؛ همان، افست تهران، حکمت، بی تا ۶. تصحیح و نقد و مقدمه بر التفتیحات فی شرح التلویحات نوشته ابن کمونه (متوفی ۶۸۳ ق) با همکاری احمد الویشا، کالیفرنیا، مزدا، ۲۰۰۳م.

۲. به انگلیسی: متن کتاب حاضر با عنوان:

KNOWLEDGE AND ILLUMINATION A Study of Suhrawardi's Hikmat al-Ishrāq, University of California, Los Angeles, Scholars Press Atlanta, Georgia, 1990.

ب) مقاله: ۱. به فارسی:

۱. «مشاهده و روش اشراق و زبان شعر، بحثی پیرامون نظام فلسفه اشراق شهاب‌الدین سهروردی»، ایران‌نامه، سال هشتم، شماره ۱، (زمستان ۱۳۶۸ش)، ص ۸۱-۹۴؛ ۲. «معرفی و بررسی نسخه خطی الشجرة الالهيه اثر فلسفی شمس‌الدین محمد شهرزوری»، ایران‌شناسی، سال دوم، شماره ۱، (بهار ۱۳۶۹ش)، ص ۸۹-۱۰۸؛ ۳. «بحثی پیرامون آیین سیاسی در فلسفه اشراق»، ایران‌نامه، سال نهم، شماره ۳، (تابستان ۱۳۷۰ش)، ص ۳۹۶-۴۱۰؛ ۴. «رساله‌ای فارسی از سهروردی»، خرد جاودان (بزرگداشت‌نامه استاد سید جلال‌الدین آشتیانی)، به کوشش علی اصغر محمدخانی و حسن سیدعرب، تهران، فرزاد، ۱۳۷۷ش، ص ۴۲۳-۴۳۰.

۲. به انگلیسی:

1. "The Source and Nature of Authority: A Study of Al-Suhrawardi's

Illuminationist Political Doctrine", *The Political Aspects of Islamic Philosophy*. P. 304-344.

2. "Shihāb al-Din Suhrewardī: founder of the Illuminationist school" (*History of Islamic Philosophy*, part 1 edited by Seyyed Hossein Nasr and Oliver Leaman, London and New York, 1996, P. 434-495).

3. "AL-SUHRAWARDI", *THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM*, edition Bosworth, Donzel, Heinrichs, Lecomte, Leiden, 1997, vol. IX, p. 782-785.

کتاب حاضر که ترجمه یکی از مهمترین نوشته‌های آقای دکتر ضیائی و نیز از مهمترین نوشته‌های سهروردی پژوهی است به طور مختصر از دو جنبه نظری و پژوهشی قابل بررسی است. از حیث نظری، شاخصه اصلی آن بررسی زیربنای معرفتی و منطقی اندیشه سهروردی است. این مبنا به تنهایی منحصر در حکمة الاشراق نبوده و برای طرح عمیق آن نه تنها از نوشته‌های منطقی بلکه از مجموعه آثار و شروح نوشته‌های او و حتی از اغلب نسخه‌های خطی استفاده شده است. انگیزه این تتبع، مسبوق به این نظر مؤلف است که «اندیشه سهروردی مجموع نظام‌یافته‌ای است که منطق و الهیات آن مرتبط با یکدیگر بوده و بررسی یک جنبه این اندیشه‌ها، نه تنها ما را از بررسی جنبه‌های دیگر بی‌نیاز نمی‌کند، بلکه اساساً چنین رویکردی بدون حاصل است.»

از شاخصه‌های دیگر این کتاب، توجه به تمایز اندیشه فلسفی سهروردی با فیلسوفان بزرگ پیش از خود است. یکی از آن تمایزات که در واقع بخش عظیمی از کتاب را به خود اختصاص داده مسأله «تعریف» است. نیز سهروردی در این موضوع با مبانی معرفتی «تعریف» نزد ارسطو و ابن‌سینا مخالفت کرده است. اگرچه سخن او مسبوق به آراء افلاطون است اما در نوع خود بدیع است. سهروردی در ورای این نقد به دنبال تعیین بخشیدن به عناصر تشکیل دهنده حکمت اشراق است. در اندیشه او گونه‌ای تمایل به برجسته کردن مسائلی است که به طور کلی متفاوت با نمونه‌های شبیه به خود در حکمت مشاء است. لذا در این نوشته سعی شده ضمن تقسیم‌بندی خاصی که از آثار سهروردی شده تقریباً مسائل فلسفی با تحلیل آن در حکمت مشاء و به گونه‌ای متفاوت

با آن مطرح شوند. به همین دلیل یکی از بخش‌های مهم نظری این کتاب، غایت‌شناسی منطق و معرفت در نظام مشائی ارسطو و ابن‌سینا است. در واقع ماهیت این اندیشه با بکارگیری اجزایی که فلسفی و اشراقی‌اند تشخیص می‌یابد. این اجزاء، زبان خاص اشراق و شهود فلسفی است که در حوزه معرفت‌شناسی بر اساس شهود و تجربه بررسی شده‌اند.

وحدت اندیشه سهروردی موجب شده تا مؤلف محترم، برای نخستین بار جزئی دیگر از این اندیشه را ارزیابی و تحلیل کند. به نظر او این جزء، منطق است که موجب وحدت اندیشه سهروردی گردیده است. لذا تحلیل مبانی با بررسی منطق در آثار سهروردی آغاز شده است. این که ویژگی مقام منطق در اندیشه سهروردی متکی به قابلیت بالقوه نفس است و روح قدسی نیز آن را تأیید می‌کند از بدایع این بررسی است. همچنین در این رویکرد، مبانی نظری به گونه‌ای که در حکمت اشراق مطرح است تألیف گردیده و توجه به این تمایز موجب شده تا اساساً این سخن که تفاوت زیربنای حکمت اشراق و مشاء، در منطق است، بررسی شود.

ساختار پژوهشی این کتاب نیز کاملاً مستند به نوشته‌های سهروردی است. همان‌سان که بیان شد، حتی از منابع خطی آثار و شروح نوشته‌های سهروردی نیز استفاده شده است. از دیگر نکات برجسته پژوهشی آن، توجه به جنبه‌های تطبیقی است که در دو مرحله انجام شده است. ابتدا تطبیق مسائل با آراء حکمای اسلامی و یونانی و سپس تطبیق با دیگر آراء سهروردی صورت گرفته است. نیز وضع واژه برای اصطلاحات بکار رفته در اندیشه سهروردی از برجستگی‌های پژوهشی و تحقیقی آن محسوب می‌شود. مؤلف محترم پیش از ورود به بحث ابتدا آثار سهروردی را به طور مبسوط معرفی کرده و ضمن بیان خصوصیات هر یک، تقدم و تأخر آنها را نسبت به یکدیگر معلوم کرده و پس از دسته‌بندی آنها به بررسی مسائل مورد نظر خود پرداخته است. این برجستگی‌ها موجب شده که شیوه وی در بررسی مبانی منطقی و معرفتی سهروردی به طور چشمگیر متمایز با شیوه‌های رایج در مطالعات سهروردی پژوهی در سایر منابع گردد.

کتاب حاضر مشتمل بر یک مقدمه و چهار بخش و سه ضمیمه است. مقدمه آن به

معرفی مختصری از اندیشه فلسفی سهروردی و شروح مختلف آثار وی اختصاص یافته است. بخش اول شامل سه قسمت است: ۱. تعریف حکمت اشراق ۲. آثار سهروردی ۳. آثار اصلی سهروردی و جایگاه و ویژگی آنها در تبیین حکمت اشراق. بخش دوم درباره منطق در حکمت اشراق است که سه قسمت دارد: ۱. پیشگفتار ۲. نظر سهروردی درباره منطق ۳. خلاصه‌ای از ساختار منطق در آثار اصلی او. بخش سوم اختصاص به نظریه اشراقی «تعریف» دارد و مشتمل بر علم صوری است و از چهار قسمت تشکیل شده: الف) واژه «تعریف» و روش‌شناسی فلسفه ب) نظریه تعریف سهروردی ۳. نظریه اشراقی تعریف. بخش چهارم به معرفت - اشراق و جهان‌شناسی اختصاص دارد و مشتمل بر پنج قسمت است: الف) آیا معرفت ممکن است؟ (ارزیابی سهروردی از دیدگاه مشائیان) ب) تصور و تصدیق: نخستین تقسیم معرفت‌شناسانه ج) طریق اشراقی علم د) اشراق و فیض ه) وجود و نور.

ضمیمه‌ها نیز شامل: ۱. ترجمه انگلیسی مقدمه حکمة الاشراق که بر اساس متن اصلی آن که به عربی است به فارسی ترجمه شده است ۲. تعریف و شرایط آن به نقل از حکمة الاشراق ۳. تحلیل منطق شهودی کتاب المعتبر فی الحکمة ابوالبرکات بغدادی (متوفی ۵۶۰ ق) (ج ۱، فصل ۱۳).

در روش ترجمه بنا بر ساختار زبان فارسی، برخی عبارات نقل به معنا گردیده و نیز منابع کتابشناسی شده و در مواردی به چاپ‌های قابل دسترس‌تر ارجاع شده است. برخی منابع خطی که مؤلف محترم از آنها استفاده کرده بود و هنگام ترجمه، تصحیح شده بودند، جایگزین گردیدند. همچنین برای اطلاع بیشتر خوانندگان محترم، برخی منابع مشابه و یا چاپ‌های گوناگون آنها داخل [] معرفی شده و برخی پانویس‌ها هم که به توضیح بیشتر نیاز داشت با افزوده مترجم به صورت [م] مشخص شده‌اند.

سپاس

بر بنده فرض است که مراتب سپاس خود را از استاد ارجمند و گرانقدر جناب آقای دکتر حسین ضیائی که ترجمه این کتاب ارزشمند را به بنده سپرده و در ایام اقامت در ایران با کمال بزرگواری آن را ملاحظه کردند، بجام آورم. از آقای دکتر داریوش شایگان نیز که این ترجمه مرهون پیشنهاد ایشان است، تشکر می‌کنم. آقای روحبخشان با کمال بزرگواری و متانت، پانویس صفحات سوم و چهارم را از فرانسه به فارسی برگرداندند که وامدار لطف ایشان هستم. همچنین از خانم گلی امامی مدیر محترم نشر فرزانه‌روز و همکاران ایشان کمال قدردانی را بجای می‌آورم.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

و هو ولی التوفیق

سیما نوریخش

هشتم مرداد ۱۳۸۳ شمسی

مقدمه

اندیشه‌های فلسفی شیخ اشراق شهاب‌الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ ق) تاکنون به طریقی نظام یافته بررسی نشده و نوشته حاضر تلاشی برای رفع این نیاز است، بدین امید که به عنوان مقدمه تحقیقی گسترده درباره متفکری که اندیشه‌های فلسفی او بر معارف دینی اسلام و اندیشه‌های ایرانی - عرفانی، تأثیر بسیار نهاد مقبول افتد.

میراث فلسفی سهروردی در عهدی که روح غالب بر حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی در مقایسه با فرایند احیاء آن در دو قرن پیش از خود به فقدان معنویت دچار شده بود طریقی نور را در تأمل و تفکر درباره ماهیت اشیاء مطرح کرد. حوزه حکمت اشراقی سهروردی از آغاز تأسیس آن در قرن ششم نزد اندیشمندانی که به حکمت مشاء به عنوان فلسفه رسمی در اندیشه اسلامی تردید کرده بودند، پذیرفته شد. این حکمت، آغاز اندیشه‌ای دینی و عرفانی منسجم در اسلام است که بعدها افق آن بر اساس منظری معرفتی که توأم با مکاشفه و الهام و شهود عرفانی است از حکمت مشاء فراتر رفت.

زبان تمثیلی و نمادین اندیشه‌های اشراقی تأثیر فراوانی بر نوشته‌های منظوم و منثور عرفانی فارسی و عربی پس از خود نهاد. در واقع تأثیر اندیشه سهروردی در تأسیس حوزه‌ای تازه در حکمت که بیشتر مایل به طریق تفکر افلاطونی است، بارز و در عین حال عظیم و ماندگار است. برای نمونه می‌توان این تأثیر را به آسانی در نوشته‌هایی که تاکنون کمتر به آن توجه شده ملاحظه کرد. این آثار عبارتند از: [شرح کتاب تلویحات سهروردی] نوشته سعدبن منصور ابن کمونه (۶۷۶-۶۸۳ ق) فیلسوف و منطقی یهودی و مفسر بزرگ آثار منطقی و فلسفی سهروردی که یکی از نوشته‌های مهم فلسفی او الجدید فی الحکمة نام

دارد.

اندیشه‌های سهروردی آمیخته‌ای از کلام و تصوف و حکمت شرقی و نیز مجموعه‌ای از مسائل فلسفی که تا عهد سهروردی ممکن بوده به اندیشه آدمی خطور کند نیست بلکه حکمتی عرفانی و مدون است که عدم توجه به نظام منطق و معرفت‌شناسی آن، گونه‌ای نقص محسوب شده و تحلیل اندیشه‌های سهروردی را غیر قابل قبول می‌کند. ویژگی مشرب‌پویای سهروردی پرهیز از جزمیت است. هرچند این اندیشه شامل حکمت یعنی ($\sigma\phi\alpha$) به معنای دقیق کلمه است اما نهایتاً حکمتی را مطرح می‌کند که به بررسی اشیاء و واکنش‌هایی که آنها در انسان ایجاد می‌کنند، می‌پردازد و می‌کوشد تا نتایج این بررسی‌ها را به طور منسجم و مدون مطرح کند.

اگر چه مطالعه اصول و عوامل گسترش حکمت عرفانی و دینی در اسلام و همچنین مطالعه منطق و معرفت‌شناسی غیر ارسطویی غایت نوشته حاضر نیست اما به طور استثناء کتاب المعبر فی الحکمة^۱ نوشته ابوالبرکات بغدادی فیلسوف قرن ششم را بررسی خواهیم کرد. این کتاب دانشنامه فلسفی و نیز نوشته ضد ارسطویی مهمی است که تأثیر ویژه‌ای بر سهروردی در بازسازی اشراقی او از فلسفه نهاده است.^۲ ابوالبرکات بغدادی سهروردی هر دو مدعی‌اند که روش‌شناسی ساختاری آنها مبتنی بر شهود نخستین فاعل شناسایی است که درک بی‌واسطه او از وجود و زمان و مکان و از کل به عنوان شیء قابل شناخت و اساساً ظاهر قائم به ذات، موجب تشخیص چیستی وجود و علم می‌گردد. نیز در این نوشته تأثیر معانی و طریق اشراقی سهروردی بر فلسفه از بررسی تعدادی از شروح اصلی و مهم بر آثار وی نشان داده می‌شود که برخی از آنها عبارتند از: ۱. شرح حکمة الاشراق، نوشته شمس‌الدین محمد شهرزوری، قرن هفتم^۳ ۲. التنبیحات فی شرح تلویحات، نوشته ابن کمونه در قرن هفتم^۴ ۳. شرح حکمة الاشراق، نوشته قطب‌الدین

۱. ابوالبرکات بغدادی، الکتاب المعبر فی الحکمة، چاپ اول، حیدرآباد، زیر نظر دایرة المعارف العثمانیة، ۱۳۵۷ ق؛ همان، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳ ش. - م.]

۲. نگاه کنید به بخش اول همین نوشته شماره ۵.۲

۳. [مؤلف محترم این کتاب، شرح مزبور را در ۱۳۷۲ و ۱۳۸۰ ش، توسط مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه علوم انسانی) تصحیح و چاپ کرده است. - م.]

۴. تنقیح الابحاث للاملاک الثلاث، ابن کمونه، تصحیح و ترجمه موشه پرلمان، تنها منبع قابل توجه درباره ابن کمونه

شیرازی^۱ (۶۳۴-۷۱۰ ق) ۴. شرح رساله هیاکل النور، نوشته جلال‌الدین دوانی^۲ (۸۳۰-۹۰۸ ق) ۵. ترجمه و شرح حکمة الاشراق، نوشته محمدشریف نظام‌الدین هروی^۳ در قرن یازدهم ۶. تعلیقه بر شرح حکمة الاشراق قطب‌الدین شیرازی نوشته صدرالدین محمدبن ابراهیم مشهور به ملاصدرا (۹۷۹-۱۰۵۰ ق) حکیم مشهور حوزه فلسفی [شیراز] و اصفهان.^۴ تأثیر اندیشه سهروردی در غرب خصوصاً با گسترش عرفان یهودی در قرن هفتم مورد توجه واقع شد^۵ که البته از مطالب قابل بررسی ما در این کتاب

است. نگاه کنید به:

Moshe Perlman, *Sa'd b. Mansūr Ibn Kammūna's Examination of the Inquiries into the Three Faiths: A Thirteenth - Century Essay in Comparative Religion*, Berkeley and Los Angeles, University of California Press, 1967 - the text and 1971 - the translation.

این کمونه در تاریخ فلسفه اسلامی پس از ابن‌سینا شخصیتی مهم است. شرح منطق تلویحات او در پانویس چاپ جدید منطق تلویحات منتشر شده است: تصحیح علی اکبر قیاض، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۴ ش. اما مصحح از این کمونه نام نبرده و فقط با عنوان (الشارح) از او یاد می‌کند. من از حواشی چاپ شده و هم از نسخه خطی تلویحات (برلین، شماره ۵۰۶۲) استفاده کرده‌ام. همچنین این کمونه منطق‌دان مهم دوره پس از ابن‌سیناست. [کتاب] الحکمة الجديدة فی المنطق او که احتمالاً بخش منطق جدید فی الحکمة است و شرح وی بر اشارات و تنبیهات ابن‌سینا که با عنوان شرح الاصول و الجمل من المهمات العلم و العمل است شایسته بررسی ویژه است. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به رساله کوتاه سعد بن منصور بن کمونه:

Leo Hirschfeld, *Sa'd b. Mansūr Ibn Kammūna*, Berlin, 1893, p. 11-13.

۱. قطب‌الدین شیرازی، شرح حکمة الاشراق، به اهتمام [ابراهیم تاجر] طباطبائی، تهران ۱۳۱۴ ق، (چاپ سنگی). [نیز همان، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.. م.]
۲. جلال‌الدین دوانی، شرح هیاکل النور، تهران، نسخه کتابخانه مجلس شماره ۱۴۱۲. [نیز همو، ثلاث رسائل، تحقیق سید احمد نوبسراکانی، مشهد مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق، چاپ اول. م.]
۳. نظام‌الدین هروی، انواریه، تصحیح انتقادی و مقدمه حسین ضیائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸ و ۱۳۶۳ ش. این کتاب تنها شرح فارسی باقی مانده بر حکمة الاشراق سهروردی است. احتمالاً هروی در این اثر از معارف صوفیان طریقت چشتیه در هند بهره برده است. همچنین وی اصول معرفت‌شناسی و جهان‌شناسی حکمت اشراق را با نظام فلسفه عرفانی ادوینا (Advaita) در هند مقایسه کرده است.
۴. تعلیقات ملاصدرا در حاشیه شرح حکمة الاشراق [قطب‌الدین] شیرازی چاپ شده است. [قطب‌الدین شیرازی، شرح حکمة الاشراق، به اهتمام [ابراهیم تاجر] طباطبائی، تهران ۱۳۱۴ ق (چاپ سنگی). نیز همان، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.. م.]

۵. کریستیان ژامبه در پیشگفتار خود به حکمة الاشراق، با ترجمه و حواشی هانری کورین (پاریس، وروی، ۱۹۸۶ م) نوشته است: آقای پل فانتون درست در زمانی که این ترجمه صورت گرفت، کتابی چاپ کرد که می‌توان در آن نشانه‌ای از عظمت جهانی سهروردی را باز یافت. داود میمونی، رئیس جامعه کلمیان مصر در قرن هفتم /

نخواهد بود.

مرحله نخست این نوشته مملو از مشکلاتی بود که به نظر می‌رسید برخی از آنها قابل حل نباشند. نخست، مشکل ضرورت دقت در انتخاب معیارهایی برای تفسیر و بررسی اندیشه‌های سهروردی است تا توسط آن بتوان از رهیافت‌هایی شبه فلسفی - تاریخی که غرض این نوشتار نیست دور شد. دوم، مشکل اصطلاح‌شناسی در بررسی اندیشه سهروردی است که بطور طبیعی برای یافتن معادل‌های دقیق در اصطلاحات تخصصی از یک ساحت مفهومی و زبانی و تاریخی به ساحتی دیگر نمایان می‌گردد. نیز انتخاب اصطلاحات، مشکلی است که بر محدودیت‌های سنت فلسفی کهن شرق می‌افزاید و در انتخاب آنها باید سعی بسیاری کرد تا از مفاهیم تحلیلی اصطلاح‌شناسی فلسفی در دوره جدید دور شد. کوشیده‌ام تا بدون تکلف و توجه زیاد به ادبیات و یا لفظ‌شناسی این مباحث را روشن کنم. گرچه اصطلاح‌شناسی من گاه پیچیده و حتی مبهم است اما سعی کرده‌ام تا بررسی اندیشه‌های فلسفی متفکری از قرن ششم را با اصطلاحاتی که در زمینه اندیشه و تبیین فلسفی در عصر حاضر متداول و قابل فهم است منعکس کنم.

تحقیق حاضر با طرح این بحث آغاز می‌شود که حکمت اشراق سهروردی تنها منحصر به کتاب حکمة الاشراق نیست. در آثار او چهار نوشته اصلی و مهم هست که یک مجموعه را تشکیل می‌دهد و حکمت او در این مجموعه اندیشیده شده و گسترش یافته است. سپس سعی کرده‌ام اثبات کنم که حکمت اشراق با نقد «تعریف» در حکمت مشاء شروع می‌شود. از این رهگذر، سهروردی آن را در بستر نظریه گسترده‌تری که بر خودشناسی و خود آگاهی به عنوان اساس علم تأکید می‌کند تغییر و بسط داده است. این دیدگاه از علم اساس گونه‌ای جهان‌شناسی است که در آن حقیقت وجود اشیاء در ترتیبی

→

چهاردهم بوده که نوشته‌ای با عنوان تفرد و قتل از عوالم جسمانی تألیف کرده است. فانتون می‌گوید: مطالب این کتاب مسبوق به اصطلاحات اشراقی اندیشه سهروردی است. این که نواده مستقیم ابن میمون بزرگ، همان ساختار نظام عرفانی ایرانی را برگزیده در واقع همان تصویری است که باید از معنویت‌ها و تاریخ آن برای خود تصور کنیم که این تصور در محدوده اندیشه و معرفت عرفی بنیادگرایان (ارتدکس‌ها) نمی‌گنجد (ص ۷۴، ۷۵، شماره ۸۵) و یادداشت کتاب بعدی فانتون یعنی دو رساله در عرفان یهود را دربر دارد. نگاه کنید به:

Paul Fenton, *Treatise of the Pool*, London, Octogan Press, 1983.

مستمر از جواهر خود آگاه و قائم به خود بیان شده که «انوار» نام داشته و هستی را تشکیل می‌دهند. «نورالانوار» خدای چنین عالمی است و از پرتو انوار ذات او، نوری دیگر که تمام هستی را فرا گرفته ساطع و صادر می‌شود. آنجا که نور نیست فقر و نیاز و عدم و ظلمت و شر است. بر اساس معرفت‌شناسی اشراقی، حصول علم، مبتنی بر عدم حجاب میان ادراک کننده و ادراک شونده است تا از این رو برای یکدیگر حضور و ظهور داشته باشند. در این هنگام و تنها در این هنگام است که ادراک کننده، قادر به درک ذات شیء می‌گردد.